

مردمی کردن ترویج

همکاری سازمانهای غیردولتی با نظام ترویج دولتی

○ مهندس شاپور ظریفیان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده

امروزه با توجه به فقدان کارایی نظام ترویج دولتی در تصدی گری فعالیتهای توسعه روستایی و کشاورزی، اتخاذ سیاستهای خصوصی سازی و مشارکتی برای انتقال بخشی از مسئولیتهای دولت به مردم برای کمک به خودشان به عنوان یک راه حل، مورد تأکید سازمانهای بین المللی و سیاست گذاران داخلی قرار گرفته است.

سازمانهای غیردولتی کشاورزان با ایجاد ارتباط دوسویه بین اعضا و بخش ترویج و تبادل اطلاعات، انتقادات و پیشنهادات در مورد سیاستهای کشاورزی نقش مؤثری را در جلب مشارکت کشاورزان در برنامه های توسعه ایفا می کنند. از طرف دیگر ارائه خدمات ترویجی و دریافت بازخورد مربوطه از کانال این تشکلهای با هزینه کمتر، سهولت و سرعت بیشتری انجام می گیرد.

برهمن اساس سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی، مسئولان کشاورزی کشورهای در حال توسعه را به حمایت از سازماندهی کشاورزان در قالب تشکلهای غیردولتی، تشویق نموده است. در کشور ما نیز با توجه به اتخاذ سیاست خصوصی سازی و لزوم جلب مشارکت مردم در برنامه های توسعه، بکارگیری الگوی تشکلهای غیردولتی کشاورزان می تواند در حل مشکلات نظام ترویج دولتی مؤثر واقع شود.

در این مقاله به ویژگیهای این تشکلهای انواع آنها و نقش آنها در ترویج اشاره شده است.



بررسی عملکرد نظامهای ترویج دولتی در کشورهای مختلف توسط سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد حاکی از عدم موفقیت در دستیابی به اهداف توسعه کشاورزی و روستایی است.

در این راستا تحولات سیاسی ایجاد شده در نظامهای جهانی و توجه دولتها به مباحث خصوصی سازی و انتقال بخشی از امور مربوط به زندگی مردم - که می تواند توسط آنان با کارایی و ثمربخشی بیشتر انجام پذیرد تا توسط بخش دولتی - و بکارگیری رهیافتهای مشارکتی در قالب تشکلهای مردمی غیردولتی به منظور کاهش هزینه های دولت در جریان پیاده کردن راهبرد توسعه درون زاء همگی موجب شده است که در اکثر کشورهای جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه بحث تشکلهای غیردولتی مردمی مورد توجه مسئولان و سیاست گذاران قرار گرفته و بطور جدی به آنان برای کمک به دولت در دستیابی به اهداف توسعه از طریق مشارکت واقعی مردم به داده شود. به همین دلیل در بخش ترویج کشاورزی نیز با توجه به تحولات تکنولوژیکی و زیست محیطی و نیازهای روزافزون غذایی مردم ضروری است برای حل مشکلاتی از قبیل: ناموفق بودن نظامهای ترویج دولتی در رساندن کشورها به مرز خودکفایی و ارتقای سطح زندگی مردم، تعداد زیاد جمعیت روستاییان و کمبود

پرسنل ترویج و امکانات و بودجه مورد نیاز، عدم تطابق یافته های تحقیقاتی با نیازهای کاربردی مردم روستایی و... باب جلب همکاری تشکلهای غیردولتی کشاورزی و روستایی برای دخالت دادن روستاییان در امور مربوط به خودشان گشوده شود و به عنوان راه حلی برای مشکلات ترویج دولتی مورد نظر قرار گیرد.

از آنجایی که در قرن بیست و یکم به علت آلودگیهای ناشی از ترویج حداکثر بهره برداری از منابع

با کمک فن آوری مواد شیمیایی و به خطر افتادن زندگی و محیط زیست انسانها و موجودات، تمامی فعالیتهای تولیدی با محوریت توسعه پایدار کشاورزی مورد تأکید سازمانهای جهانی قرار گرفته است، تنها راه حل اجرای عملی دستورات مبنی بر تولید محصولات غذایی با محوریت توسعه پایدار، مشارکت واقعی روستاییان در بکارگیری عوامل تولید بر اساس اصول پایداری است؛ زیرا تنها با نظارت مأموران دولتی در بخشهای وسیع تحت پوشش نمی توان مردم را ملزم به رعایت اصول مورد نظر کرد.

در این زمینه تشکلهای غیردولتی علاقه مند به بخش کشاورزی و روستایی می توانند به عنوان بازوی کمکی عمل کنند و ضمن انتقال نیازهای مردم به مسئولان و سازمانهای ذیربط، خواستها و طرحهای اجرایی مورد نظر دولت و مردم را به آنان انتقال و مشارکت آنان را جلب کنند و در نهایت نتایج حاصل از بکارگیری طرحهای توسعه کشاورزی و ارزشیابی مشارکتی مردم را به صورت بازخورد صحیح و سریع برای

تجزیه و تحلیل و اتخاذ تصمیم به مسئولین رده بالا منتقل کنند.

در این حالت برای بخش ترویج دولتی نیز کار کردن با نمایندگان NGOها با توجه به وسعت جغرافیایی روستاها و پراکندگی و جمعیت بالا، آسانتر بوده و برنامه ریزی بهتری برای آموزشهای تکنولوژیکی ترویجی می توان ارائه داد.

از آنجایی که نظامهای ترویج دولتی و تشکلهای غیردولتی کشاورزی دارای نقاط ضعف و قوت هستند که به آنها اشاره خواهد شد، همکاری متقابل این دو در قالب رهیافت دولتی - غیردولتی می تواند در تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف هر یک برای پیاده کردن اصول کشاورزی پایدار و رسیدن به اهداف توسعه کشاورزی و روستایی، مؤثر واقع شود.

در این مقاله ویژگیهای نظامهای ترویج دولتی و تشکلهای غیردولتی، نقاط ضعف و قوت آنها در انتقال فن آوری کشاورزی به روستاها و راههای عملی همکاری بخش ترویج دولتی و تشکلهای غیردولتی در آینده مورد توجه قرار می گیرد.

NGOها و ترویج کشاورزی

در سالهای اخیر شواهد حاکی از این است که راهبردهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی باید از مشارکت و همکاری بیشتر سازمانهای ترویج و تحقیق دولتی و غیردولتی بهره مند شوند تا

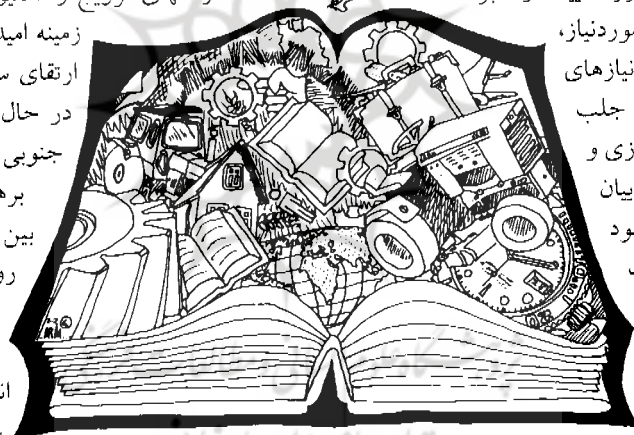
زمینه امیدواری در رسیدن به اهداف برنامه ها و ارتقای سطح زندگی روستاییان در کشورهای در حال توسعه آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی فراهم گردد. (Carroll, 1992)

بر همین اساس سازمانهای حمایت کننده بین المللی برنامه های توسعه پایدار روستایی به طور جدی از NGOها برای فعالیت بیشتر در برنامه های توسعه که بطور مرسوم توسط بخش دولتی انجام می گرفته استفاده نموده اند و پیگیریهای مداومی را از طریق برقراری ارتباط با دولت مردان کشورهای در حال توسعه و برگزاری نشستهای بین المللی و منطقه ای برای فراهم کردن زمینه رشد و توسعه NGOها مبذول می دارند.

این گونه حمایت از مشارکت نظام ترویج دولتی و NGOهای روستایی و کشاورزی موجب آثار زیر است:

- ایجاد جو همکاری و مشارکت بین بخش دولتی و خصوصی به جای تضاد و رقابت با یکدیگر
- رفع محدودیتهای موجود در انجام وظایف دو بخش
- ایجاد ارتباط رسمی بین دو بخش بدون هیچ گونه پیش شرطی برای ایجاد زمینه اعتماد متقابل
- شناسایی زمینه های کارآمد تحت پوشش هر یک از دو بخش دولتی و خصوصی

- توجه به موفقیتها و عملکرد NGOها در انجام طرحهای مشارکتی و دخالت دادن در برنامه توسعه کلان



هستند که پایه گذار سازمان اجتماعی آنان نیز می‌باشد. (1991) CAAP.

لذا با توجه به مستقل بودن سازمانهای غیردولتی و عدم تعهد آنها به انجام فعالیتهای ترویجی - تحقیقی به سبک روشهای بخش دولتی ترویج، ضروری است با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق و ارتقای سطح آگاهی اعضای تشکلهای روستایی و کشاورزی زمینه جلب همکاری و مشارکت آنان در طرحهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی طوری فراهم گردد که منابعی برای آنها دربرداشته باشد و انگیزه لازم و کافی برای مشارکت آنان تأمین گردد.

در کشور ما هرچند بحث خصوصی سازی و بکارگیری رهیافت مشارکتی و تشکلهای غیردولتی در دهه ۷۰ مورد توجه قرار گرفته است بیشتر این فعالیتهای در تمام بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی بطوریکسان توسعه نیافته است؛ به طوری که خصوصی سازی در صنعت، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است و رهیافتهای مشارکتی در طرحهای توسعه منابع طبیعی تجدیدشونده، مورد نظر مسئولان ذیربط بوده و تشکلهای غیردولتی بیشتر در زمینه حفظ محیط زیست و زنان و جوانان یا به عرصه وجود گذاشته اند و جای خالی این گونه تشکلهای بخش کشاورزی و روستایی که می‌توانند در ارتقای سطح آگاهی روستاییان و آگاه کردن آنها از تواناییهایشان و مطالبات واقعی از بخش دولتی و زمینه‌های مشارکت در طرحهای توسعه منطقه‌شان مفید واقع شوند و به عنوان بازوی کمکی بخش دولتی عمل نمایند، شدیداً احساس می‌گردد.

نقاط قوت و ضعف NGOها

NGOها از ساختار محدودی برخوردار هستند که مبتنی بر ارتباطات افقی است و روابط بوروکراتیک اداری عمودی و سلسله مراتب قدرت در آنها کمتر به چشم می‌خورد؛ لذا به سرعت می‌توانند با انعطاف پذیری به نیازهای ازیاب رجوع و اعضا و تغییرات محیطی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی) پاسخ مناسب دهند. همکاری افراد در این تشکلهای مبتنی بر یکسری اصول اخلاقی مورد قبول اعضاست که موجب ایجاد اثرات و فرآیندهای پایدار در فعالیت آنان می‌گردد.

NGOهای کشاورزی و روستایی بیشتر با جوامع روستایی محروم سروکار دارند به طوری که اعضای آن ممکن است در مناطقی فعالیت کنند که نگهداشتن یا انتقال کارمندان دولتی ترویج به آن مناطق با مشکل مواجه باشد.

یکی از وظایف اصلی NGOها شناسایی نیازهای روستاییان و کشاورزان فقیر در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی در منطقه است و برای این کار از روشهای مشارکتی متنوعی بهره می‌جویند.

به طور مثال برای معرفی فن‌آوری‌های عمل‌آوری و بازاریابی محصول در شیلی و معرفی محصول جدید سویا در بنگلادش و کوکادر بولیوی از روش مشارکتی و نظام زراعی (Farming System) استفاده شده است.

زندگی اعضای NGOها با روستاییان از نزدیک موجبات آشنایی آنان از نظام دانش بومی آنان گشته که از این دانش می‌توانند در طراحی و شناسایی فن‌آوری مناسب استفاده کرده و به علت رعایت این

لازم به ذکر است که برنامه ریزی ساز و کار همکاری بخش ترویج دولتی با NGOهای روستایی و کشاورزی باید همراه با بکارگیری راههای بهبود کیفیت مدیریت فعالیتهای ترویج دولتی و انجام اصلاحات ساختاری منطبق با شرایط جدید دستیابی به موفقیت‌های مورد انتظار باشد. (FarringtonLewis-1993)

ویژگیهای NGOهای روستایی

NGOها از نظر متخصصان و مسئولان ذیربط دارای ویژگیهای مختلفی هستند که برخی از آنها به طور مشترک مورد قبول همگان می‌باشد که در اینجا لزومی به ارائه مفصل این ویژگیها احساس نمی‌شود.

در این مقاله NGOها به عنوان سازمانهای توسعه مدار (Oriented - development) داوطلبانه در نظر گرفته شده‌اند که در کشورهای جنوب خدماتی را به روستاییان فقیر یا سازمانهای محلی روستایی ارائه می‌کنند و باشاخه‌های محلی سازمانهای غیردولتی بین‌المللی که دارای درجاتی از خودمختاری در فعالیتهای منطقه‌ای می‌باشند نیز در ارتباط هستند.

NGOها براساس مبانی فلسفی و بنیادی متعدد سیاسی، مذهبی، صنفی، انسانی و... دارای تنوع و تعدد فراوان می‌باشند. برخی از آنها انعکاس دهنده ساختار اجتماعی - سیاسی موجود در جامعه روستایی بوده و خود را به عنوان موتور محرکه تغییرات اجتماعی مطرح می‌کنند و گروهی دیگر براساس تغییرات تدریجی از طریق توسعه منابع انسانی (بوسیله ترویج تشکلهای مردمی غیردولتی) برای رسیدن به خواستها و نیازها و مطالبه خدمات بیشتر از دولت اقدام می‌کنند. گروهی سعی می‌کنند با توجه به ساختار موجود دولتی ضمن اصلاح نظام ارائه خدمات به روستاییان بخشی از اقدامات را به عهده گیرند و مردم را در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی مربوط به خودشان مستقیماً دخالت دهند.

بنابراین مشاهده می‌شود که مبانی فلسفی و ایدئولوژیکی این سازمانها در رابطه با انتقال فن‌آوری مناسب کشاورزی به روستاها با یکدیگر متفاوت است و بر همین اساس به نقد عملکرد نظام ترویج دولتی در رابطه با معرفی طرحهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی و اجرای آنها در منطقه پرداخته و سعی دارند کارنامه ناموفقی را ارائه کنند تا دولت از انحصار اجرای طرحهای توسعه دست برداشته و فشارهای اجتماعی و سیاسی محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی مشارکت واقعی مردم را در قالب NGOها پذیرفته و بخشی از وظایف خود را در قالب بخشهای خصوصی سازی و رهیافتهای مشارکتی به مردم تفویض نماید و از هرگونه همکاری و ارائه خدمات و امکانات برای انجام بهتر کارها توسط این تشکلهای خودداری نکند تا در آینده نزدیک بتوان شاهد تقویت حس اعتماد و اطمینان متقابل بین بخش دولتی و غیردولتی بود.

در این راستا گروهی از تشکلهای خواهان حداکثر تولید با بکارگیری نهاده‌های شیمیایی و مکانیزاسیون کشاورزی، گروهی معتقد به حداقل استفاده از نهاده‌های کشاورزی و تأمین مواد غذایی مورد نیاز جامعه، گروهی به دنبال بکارگیری رهیافتهای ارگانیکی، گروهی در جوامع بومی و سنتی به دنبال احیا و تجدید عملیات سنتی کشاورزی

روز شده‌اند در ایجاد هماهنگی و مدیریت فعالیتهای برای ارائه خدمات به مردم روستایی مشکلاتی را به وجود آورده‌اند؛ هم از نظر رقابت در ارائه خدمات به ارباب رجوع و هم زیرسؤال بردن فعالیتهای یکدیگر برای موفق جلوه دادن خودشان. (Ayers, 1992)

NGOها برای ترویج و توسعه فن آوری کشاورزی و انتشار آن دارای ظرفیت محدودی هستند و در اکثر کشورهای جنوب با توجه به ساختار سیاسی از قدرت ایجاد فشار برای تقاضای ارائه خدمات دولتی به مردم روستایی و اتخاذ تدابیر و سیاستهای مفید به حال تولیدکنندگان روستایی، با محدودیت و توان کمی مواجه‌اند.

یکی دیگر از نقاط ضعف NGOها به خصوص در کشورهای فقیر آسیای جنوب شرقی و آفریقا و آمریکای جنوبی این است که آنها در مقابل آژانس‌های بین‌المللی حمایت‌کننده، بیشتر احساس پاسخگویی می‌کنند تا مردم روستایی که ادعای خدمت به آنان را دارند. از آنجایی که سازمانهای خارجی حمایت‌کننده بیشتر اهداف کوتاه مدتی را در رابطه با بکارگیری فن آوری جدید بدون توجه به فقر اطلاعاتی مردم که رفع آن زمان بر است دنبال می‌کنند ناچاراً فن آوری نامناسبی را ترویج می‌کنند که سیستم باغبانی گلخانه‌ای در بولیوی از آن جمله است. (Kohl, 1991)

ویژگیهای نظام ترویج دولتی

بررسی سابقه تاریخی فعالیت نظامهای ترویجی در کشورهای جنوب حاکی از این است که اکثر دولتها از اواسط قرن بیستم و پس از برگزاری کنفرانسهای بین‌المللی توسط فائو و اداره همکاریهای خارجی ایالات متحده آمریکا در جریان اهمیت و نقش کلیدی فعالیتهای نظام ترویج کشاورزی در افزایش تولیدات کشاورزی و توسعه روستایی قرار گرفتند و بدون تلاش در جهت ارتقای سطح آگاهی کشاورزان سنتی از اهداف و وظایف این نهاد و جلب مشارکت آنان برای حمایت از تشکیل سازمانهای ترویج، سازمان فائو و اداره اصل چهار ترومن اقدام به سازماندهی تشکیلات ترویجی دولتی در کشورهای درحال توسعه نمودند. بنابراین در این کشورها برخلاف کشورهای اروپایی و آمریکا که نظام ترویج دارای جایگاه مردمی است و خاستگاه ترویج همان انجمن‌های کشاورزان است که ابتدا به صورت خصوصی و سپس با حمایت دولت به طور رسمی شروع به کار نمود ولی در تمامی کشورهای در حال توسعه تولی‌گری در زمینه تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی زیر نظر دولت بوده و کمتر در مقابل کشاورزان به خصوص خرده پا پاسخگو می‌باشد. به همین دلیل هر چند این تشکیلات در سالهای اول با معرفی فن آوری و نهادهای جدید تحولاتی چشمگیر را در روند تولیدات کشاورزی به وجود آوردند، (دهه ۴۰ عصر طلایی فعالیت ترویج کشاورزی در ایران) ولی به تدریج با

مساله‌زمینه پذیرش سریع‌تر و کاهش مقاومت روستاییان در برابر فن آوری جدید فراهم می‌گردد. (Chaguma - 1993)

ارتباط فردی و گروهی اعضای NGOها با کشاورزان موجب تسریع در انتشار نوآوریها و پذیرش آنها می‌گردد. (Sollows, 1993)

NGOها در برخی موارد مثل معرفی سویا در بنگلادش (1990 Buckland Graham) یا مدیریت زمینهای شیب دار در فیلیپین (Watson Laquibon, 1993) نسبت به معرفی فن آوری جدید به عنوان یک ایده نو یا نوآوری اقدام کرده‌اند ولی در بیشتر مواقع سعی دارند نسبت به انتشار فن آوریهای موجود یا معرفی شده در حال توسعه توسط بخش دولتی که در جهت خدمات به کشاورزان خرده پا می‌باشند فعالیت نمایند؛ مثل حمایت از طرحهای تولیدی ابریشم خام و تولید قارچ در کشور هندوستان. (Vasimalai, 1993)

یکی دیگر از نقاط قوت NGOها کارکرد گروهی آنهاست. استقبال از مدیریت تلفیقی مبارزه با آفات در کشور هندوستان یا تشکیل گروههای تولید بذری برای جلوگیری از گرده افشانی نامطلوب در گامبیا و اتیوپی ناشی از وجود نیازهای مشترک به انواع خاصی از نوآوریها و فن آوری است که همکاری مشترک همگان

رامی‌طلبند. مدیریت سرمایه‌های پراکنده مردم توسط NGOها یکی دیگر از علل کار گروهی در این تشکلهاست. در سایه این اقدام در بنگلادش کارگران بدون زمین توانستند به فن آوری پمپاژ آب کشاورزی دست یابند. (1993 Mustafa, Rahman, Sattor)

مدیریت منابع عمومی یکی دیگر از علل همکاری گروهی در NGOهاست. این تشکله در حفاظت از منابع آب و خاک حوزه‌های آبخیز به مدیریت مراتع و جنگلهای در قالب یک نظام پایدار با بکارگیری فن آوری مناسب و مشارکت گروهی، ظرفیت این منابع برای تأمین نیازهای مردم و دولت و امکان دسترسی به این منابع را فراهم می‌کنند. (Fernandez, 1993)

نقاط ضعف NGOها

کوچک بودن تشکلهای غیردولتی کشاورزی و روستایی بدین مفهوم است که آنها نمی‌توانند تمامی عوامل ساختاری زمینه ساز فقر روستایی را هدف قرار داده و در جهت رفع آنها اقدام کنند؛ لذا از حیثه عمل محدودی برخوردارند؛ هر چند سعی کرده‌اند با ایجاد روابط منطقه‌ای و جهانی تا حدی بر تواناییهای خود افزوده و این ضعف را تا حدی برطرف کنند.

تفاوت در فلسفه وجودی، یکی دیگر از مشکلات NGOهاست که مانع از همکاری نزدیک تمامی تشکلهای در یک منطقه و توجه به تجربیات یکدیگر در طرحهای توسعه پایدار می‌گردد.

تعدد و تنوع برخی از NGOها در زمینه‌های خاص که به عبارتی مد



حرکت به سوی مدرنیته کردن کشاورزی و مکانیزاسیون عملاً در خدمت کشاورزان سرمایه‌دار و دولت درآمدند و توجه کمتری به تأمین نیازها و انتظارات کشاورزان خرده پا و فقیر در روستاهای دورافتاده مبدول داشتند و در نهایت با عدم استقبال کشاورزان و در نهایت فقدان کارآیی در رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده در برنامه‌های توسعه کشاورزی و روستایی مواجه شدند.

این نظام‌های دولتی ترویج کشاورزی از نظر الف) محدوده جغرافیایی تحت پوشش مروجین، ب) جمعیت روستاییان و ج) محصولات کشاورزی و دامی و صنایع روستایی از وسعت و تنوع چشمگیری برخوردار بوده و از طرف دیگر با کمبود نیروی انسانی مروج روستایی و متخصص، امکانات آموزشی و وسیله نقلیه و انگیزه کاری برای فعالیت در روستاهای دورافتاده و... مواجه می‌باشند که نبود رغبت کشاورزان خرده پا- که اکثریت جامعه کشاورزی را تشکیل می‌دهند - به مشارکت با مروجان در اجرای طرح‌های نوآوری و انتشارپذیرش آنها مزید بر علت در عدم موفقیت نظام‌های ترویج دولتی در اینگونه کشورها شده است.

بررسی آمار تولید محصولات کشاورزی و نیازهای غذایی در کنار میزان واردات در کشورمان با وجود اجرای چندین برنامه توسعه کشاورزی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب حاکی از عدم موفقیت بخش دولتی در رسیدن به مرزهای خودکفایی است که در قرن بیست و یکم

تشکلهای سنتی و بومی محلی در مناطق روستایی در جهت حل مشکلات محلی در غیاب بخش دولتی از گذشته‌های دور در قالب گروه‌های کاری بنه، هراسه، گاویار، آبیار و... فعالیت داشته‌اند و براساس عرف محلی، همیاری مردم را برای بهبود شرایط زندگی و کار در روستا سازماندهی می‌کردند که متأسفانه بسیاری از این تشکلهای مردمی سنتی در کشورمان در حال حاضر از میان رفته یا تضعیف شده‌اند (صفی نژاد، ۱۳۶۸) و این در حالی است که در سایر کشورهای جهان در دهه اخیر به نقش و جایگاه این تشکلهای در پیشبرد برنامه‌های توسعه واقف شده و برنامه‌ریزی خاصی را برای حمایت از تأسیس این تشکلهای استفاده از نیروی مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه در نظر گرفته‌اند.

با توجه به لزوم محوریت توسعه کشاورزی در بخش اقتصادی برنامه توسعه کلان برای تأمین غذای موردنیاز جمعیت کشور، تأمین مواد خام موردنیاز کارخانجات وابسته، صدور مازاد محصولات برای تأمین ارز موردنیاز توسعه در صنایع و سایر بخشها، با توجه به افزایش قیمت محصولات در بازار جهانی و بهره‌برداری سیاسی کشورهای صادرکننده برای پیاده کردن سیاستهای خود در مناطق حساس، ضروری است که بحث خصوصی سازی و بکارگیری رهیافت مشارکتی در قالب حمایت از تشکلهای غیردولتی برای انتقال بخشی از وظایف دولت که مردم می‌توانند از عهده آن برآیند و احساس مسئولیت کنند به طور جدی در برنامه کار دولت قرار گیرد و از حد شعار

در کشور ما هرچند بحث خصوصی سازی و بکارگیری رهیافت مشارکتی و تشکلهای غیردولتی در دهه ۷۰ مورد توجه قرار گرفته است بیشتر این فعالیتها در تمام بخشهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی بطوریکسان توسعه نیافته است؛ به طوری که خصوصی سازی در صنعت، بیشتر مورد تاءکید قرار گرفته است و رهیافتهای مشارکتی در طرحهای توسعه منابع طبیعی تجدیدشونده، مورد نظر مسئولان ذیربط بوده و تشکلهای غیردولتی بیشتر در زمینه حفظ محیط زیست و زنان و جوانان پا به عرصه وجود گذاشته‌اند.

و کارهای سطحی خارج شود. توجه دولت به فرآیند خصوصی سازی در جهت کاهش حجم فعالیتهای دولت، کاهش هزینه‌های عمومی، پرهیز از دخالتهای غیرضروری دولت در برنامه‌های توسعه، کوچک کردن دستگاههای دولتی و سپردن بخشی از امور مربوط به توسعه به مردم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه اروپای مرکزی، شرقی و آسیایی، زمینه مناسبی را برای فعالیت NGOها در بخش روستایی و کشاورزی فراهم کرده است. (مرکز بین‌المللی حقوق غیرانتفاعی)

در پژوهشی که در کشور پاکستان در رابطه با انتقال برخی از وظایف دولت در زمینه تأسیسات آبیاری به کشاورزان ذی نفع صورت گرفت، مشخص شد که هزینه اجرای طرح کاهش یافته و کشاورزان احساس مسئولیت بیشتری در نگهداری و استفاده صحیح از تأسیسات از خود نشان داده‌اند. (Hassan & Hamid & Memon. 1999)

در همین رابطه در کنفرانس سال ۱۹۸۹ سازمان خواربار و کشاورزی با حضور مسئولین ترویج کشاورزی کشورهای مختلف جهان، برای

نقش حساس و تعیین کننده‌ای را در معادلات سیاسی جهانی ایفا خواهد کرد. (ملک محمدی، ۱۳۷۷)، (کریمی، ۱۳۷۳)، (زمانی پور، ۱۳۷۶) نظام برنامه ریزی متمرکز از بالا به پایین، عدم بکارگیری نظام بازخورد مناسب پایین به بالا، عدم پاسخگویی مروجین در مقابل ارباب رجوع، تنوع ویژگیهای جوامع کشاورزی از نظر جغرافیایی و نیازهای تکنولوژیکی، اولویت دادن به سیاستهای غذایی دولت و محصولات استراتژیک، وسعت تشکیلات اداری، ناکافی بودن تعداد مروجین، فقدان ارتباط نزدیک و صحیح ترویج و تحقیق کشاورزی، کمبود امکانات و تجهیزات و... از ویژگیهای نظام ترویج دولتی به شمار می‌روند که آن را در دستیابی به اهداف و انجام وظایف محوله و ایجاد تحول در نظام کشاورزی سنتی و معیشتی و حرکت به سوی کشاورزی مدرن و تجاری و رفاه جامعه روستایی ناکام نموده است.

نقش NGOها در توسعه کشاورزی

مطالعات جامعه‌شناسی روستایی ایران حاکی از این است که

سازماندهی گروههای کشاورزان و توسعه تشکلهای غیردولتی روستایی موجب تکمیل مهارتهای فنی مردم، برخورداری از تسهیلات بیشتر و امکان دسترسی به دولت می شود. (Farrington. 2000)

در کشورهای مختلف در حال توسعه نهادهای محلی و غیردولتی نقش مهمی را در تغییر ساختار کشاورزی سنتی و اشاعه انتقال فن آوری مناسب و بازخورد ناشی از بکارگیری فن آوری و نیازهای جدید ناشی از تحول تکنولوژیکی به دولت ایفای می کنند که به چند مورد به طور مختصر اشاره می شود.

در کشور ویتنام، نهادهای محلی در قالب انجمنهای کشاورزان در تغییر ساختار کشاورزی برای افزایش تولید و درآمد روستاییان، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم مشارکت فعال دارند. (A.P.O.1999)

در کشور تایلند نهادهای روستایی از سابقه ای دیرینه برخوردارند و ضمن مشارکت در اجرای طرحهای فقرزدایی، نقش مهمی را در به حرکت درآوردن منابع لازم برای کمک به مردم روستایی به جای دولت ایفای می کنند. (همان منبع)

در جمهوری کره، دولت برای مدرنیزه کردن بخش کشاورزی از همکاری نهادهای روستایی برای آگاهی مردم از سیاستهای دولت و

حل مشکلات برنامه های توسعه کشاورزی و روستایی، نظام ترویج چندگانه به عنوان یک راهبرد جایگزین نظام ترویج منفرد دولتی مورد تأکید قرار گرفت که مبتنی بر بکارگیری نظام ترویج خصوصی مبتنی بر مشارکت مردم در قالب تشکلهای در کنار نظام ترویج دولتی بود. (FAO.1998)

طرح خصوصی سازی در کشور ایران از اوایل دهه ۷۰ آغاز شده ولی در عمل با موانعی مواجه شد که آثار مثبت آن در وضعیت اقتصادی - اجتماعی کم رنگ جلوه نمود. (همشهری اقتصادی شماره ۲۴۵۲). بخشی از وظایف دولت در امور آموزشی، بهداشتی، رفاهی، فقرزدایی، کشاورزی و روستایی به بخش خصوصی منتقل شده و مردم عهده دار پیاده کردن برنامه های توسعه برای بهبود وضعیت زندگی شان می شوند. (ابنکار - ۱۳۷۶) که این امر در سایه توجه دولت به جلب مشارکتهای مردمی در قالب تشکلهای و سازمانهای غیردولتی شکل می گیرد. در همین زمینه در کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹، حمایت از گروههای کشاورزان خرده پا در قالب تشکلهای غیردولتی جهت بهره مندی از خدمات و نهادهای با هزینه های کمتر برای دولت و امکان ارتباط نزدیکتر با یکدیگر مورد تأکید قرار گرفته است.

مطالعات نشان داده که سازمان یافتن افراد در تشکلهای ضمن کاهش بار اجرایی دولتها و هزینه های سالانه و حذف بوروکراسی دولتی، موجب برقراری ارتباط متقابل بین مردم و دولت و ایجاد انگیزه قوی برای مشارکت در برنامه های توسعه و انتقال سریع بازخوردها، نیازهای تکنولوژیکی جدید، پیشنهادها و انتقادات مردم از سیاستهای اجرایی دولت شده است.

(HassanHamidMemon.1999) & (Spore.1997) & (FAO.1992,1994)

با توجه به ویژگیهای بخش کشاورزی و نقش تشکلهای روستاییان در مشارکت طرحهای توسعه روستایی و کشاورزی در سمپوزیوم سال ۱۹۹۱ بانکوک که نقش و عملکرد این سازمانها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، NGOها به عنوان کاتالیزور و راهگشای توسعه معرفی شدند. تشکلهای غیردولتی به علت برخورداری از ساختار متفاوت با نظام ترویج دولتی، پایبندی به اصول و ارزشهای نظام اجتماعی و تعهد و احساس مسئولیت اعضا و محدودیت حیطه فعالیت بهتر می توانند وظایف محموله را با انگیزه قوی به انجام برسانند. (صالح نسب، ۱۳۷۲)

در همین رابطه فائو معتقد است که در اکثر کشورهای در حال توسعه جای خالی این تشکلهای غیردولتی رسمی در نظام کشاورزی و توسعه روستایی کشورها کاملاً احساس می شود تا به عنوان بازوی توانای دولت، اجرای برنامه های توسعه روستایی و کشاورزی پایدار را در مناطق تحت پوشش برعهده گیرند. (FAO.1992)

NGOهای روستایی می توانند ضمن جلب مشارکت کشاورزان در فعالیتهای ترویجی، تحقیقی، بازاریابی، اطلاع رسانی و ارزشیابی برنامه ها، اطلاعات مورد نیاز بخش دولتی را جهت برنامه ریزی صحیح فراهم و به عنوان رابط میان دولت و مردم، ایفای نقش نمایند که این اقدام در افزایش سرعت تبادل نظر و ارائه خدمات به مردم بسیار مؤثر است. (HassanHamidMemon.1999)



برقراری ارتباط بهره مند می شود. طی دهه ۸۰ این نهادها مثل انجمن کشاورزان در فرآیند سیاست گذاری فعال تر شده اند و از دو سیستم ارتباطی «دریافت اطلاعات از خارج روستا» و «انتقال دیدگاههای مردم به خارج روستا» برخوردارند و دولت از آنها به عنوان یک شریک در فرآیند سیاست گذاری و اجرای یاد می کند. (همان منبع)

در تایوان انواع جوامع محلی روستایی از قبیل: انجمن کشاورزان، انجمن مردان ماهیگیر، انجمن عمران روستایی و... فعالیت دارند که نقشهای مختلف: پشتیبانی منابع، ارائه خدمات ترویجی و تحقیقی، آگاه کنندگی بسیج نیروها، اطلاع رسانی، ارزشیابی و بازخورد، برقراری ارتباط و... را در طول برنامه های عمران روستایی ایفا کرده اند. (همان منبع)

در کشور پاکستان، تشکلهای غیردولتی روستاییان که اجرای برخی از طرحهای توسعه کشاورزی و روستایی را برعهده گرفته اند توسط

بانک جهانی مورد ارزشیابی قرار گرفته که عملکرد موفقیت آمیزی داشته‌اند و بر همین اساس دولت برای اثربخشی مشارکت اعضای این تشکلهای برنامه‌ریزی خاصی را تدارک دیده است. (همان منبع)

ضرورت ترویج تأسیس تشکلهای غیردولتی روستایی

با توجه به آنچه که درباره ضعف بخش دولتی ترویج کشاورزی در انتقال فن آوری مناسب و ارائه خدمات آموزشی ترویجی به کشاورزان خرده پا در روستاهای کشور و انتقال بازخوردها به مراکز تصمیم‌گیری ذکر شد و با در نظر گرفتن ویژگیهای تشکلهای غیردولتی روستایی و نقش آنها در دستیابی به اهداف توسعه کشاورزی و روستایی و فراهم شدن بستر خصوصی سازی در سیاستهای اجرایی کشور در برنامه سوم توسعه و تأکید جدی مسئولین در پیاده کردن این سیاست در کلیه بخشها از جمله کشاورزی و توجه دولت به رهیافت مشارکت مردمی و بهره‌گیری از نیروی بسیج مردم در واگذاری برخی از امور مربوط به زندگیشان و نظارت بر اجرای طرحهای مربوطه، لازم است الگوی تشکلهای غیردولتی کشاورزی و روستایی در ایران که از سابقه تاریخی

کشاورزان مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین لازم است با استفاده از تجربیات کشورهای مشابه و حمایتهای سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی آموزشهای لازم به روستاییان برای اقدام داوطلبانه جهت تشکیل این گروههای محلی توسط بخش ترویج دولتی ارائه گردد تا در آینده نزدیک بتوانیم از آثار مثبت رهیافت سازمانهای دولتی - غیردولتی (NGOGO-) بهره‌مند شده و بر قسمتی از مشکلات اجرایی طرحهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی فایز آیم.

لازم به ذکر است غیردولتی بودن و مستقل بودن و داوطلبانه بودن عضویت و تأسیس این تشکلهای مردمی روستایی از ویژگیهای بارزی است که عملکرد آنها را در طرحهای توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هرگونه دخالت دولت در راه اندازی شبه تشکلهای برای نظارت و کنترل بر عملکرد این تشکلهای زمینه‌ساز عدم موفقیت اینگونه تشکلهای و کاهش انگیزه روستاییان در عضویت در آنها خواهد شد. بنابراین مناسب است که اجرای طرحهایی چون خانه کشاورز، خانه ترویج، باشگاه جوانان، تعاونی جنگل‌نشینان و... با تجدیدنظر در نحوه تأسیس این تشکلهای و حذف نظارت بخش دولتی بر ساختار و عملکرد این نهادها در جهت دستیابی به ویژگیهای ذکر شده برای NGOها هدایت شوند تا شاهد بهره‌مندی از اثرات مثبت آن باشیم.

در صورت ترویج و توسعه تشکلهای غیردولتی روستایی تحت عناوین مناسب (انجمن کشاورزان، انجمن عمران روستا، سازمان کشاورزان و...) در ایران، مروجین بخش دولتی و خصوصی به جای اجرای روشهای ترویجی انفرادی یا گروهی (با اعضای نامتناسب از نظر نیازها و توانایی‌ها) می‌توانند خدمات ترویجی خود را به این تشکلهای بنا به درخواست خودشان ارائه دهند و به تبادل اطلاعات و تجربیات فنی و تکنیکی پرداخته و بازخورد بکارگیری فن آوری‌های معرفی شده و نیازهای تکنولوژیکی جدی اعضای تشکلهای را به مسئولین ذیربط منتقل کنند. بدین صورت ضمن افزایش سرعت انتقال و جمع آوری اطلاعات، مشکلات کمبود نیروی ترویجی و جمعیت بالای روستاییان با نیازهای متنوع حل خواهد شد. آموزش کشاورزان و توسعه منابع انسانی ضامن موفقیت سازمانهای غیردولتی کشاورزی و پایداری آنهاست. (CHHeaSong, 1999)

به طور خلاصه می‌توان سازمان غیردولتی کشاورزان را اینگونه تعریف کرد:

نوعی از تشکلهای غیردولتی رسمی است که کشاورزان یک منطقه یا تولیدکنندگان محصول خاص برای رسیدن به اهداف مشترک منجر به بهبود شرایط تولید و زندگی با در نظر گرفتن اهداف کشاورزی پایدار و توسعه روستایی دور هم جمع شده و دارای مقررات، ساختار و شخصیت حقوقی مورد قبول جامعه است.

ویژگیهای این سازمانها را می‌توان به شرح زیر در نظر گرفت:

- ۱- سازمانهای خصوصی داوطلبانه
- ۲- غیرانتفاعی
- ۳- ارائه دهنده خدمات با جهت‌گیری توسعه‌ای
- ۴- خودمختاری با چارچوب دموکراتیک
- ۵- برخوردار از انگیزه و تعهد و احساس مسئولیت
- ۶- ثبت در مؤسسات دولتی ذیربط



و تجربه موفق نیز برخوردار بوده، بتواند به عنوان یک بازوی توانای بخش ترویج دولتی در جلب مشارکت مردم و کمک به آنان در ارتقای سطح زندگی خودشان براساس استانداردهای اجتماعی، بکار گرفته شود.

همکاری بخش ترویج خصوصی با این تشکلهای و بخش ترویج دولتی زمینه‌ساز موفقیت در اجرای طرحهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی در کشور خواهد بود و این دو در نقش مکمل هم و دو بال توسعه نقش خاص خود را ایفا کرده و نقاط ضعف یکدیگر را پوشانده و نقاط قوت را تقویت خواهند کرد.

بنابراین ضروری است برای کاهش بار مسئولیت نظام ترویج دولتی، با ایجاد زمینه اشتغال نیروهای تحصیل کرده در رشته‌های کشاورزی و ترویج در قالب بخشهای خصوصی و دخالت دادن کشاورزان در تمامی مراحل، اقدامات لازم نیز برای تعیین الگوی مناسب تشکلهای

بکارگیری رهیافتهای مشارکت مردمی و تشکیل گروههای غیردولتی برای برعهده گرفتن بخشی از وظایف دولت در رابطه با توسعه کشاورزی و روستایی در دهه اخیر مورد توجه سازمانهای بین‌المللی و دولتمردان اکثر کشورهای جنوب قرار گرفته است.

لذا ترویج و توسعه سازمانهای غیردولتی کشاورزان تحت عناوین مختلف و آموزش کشاورزان برای ایجاد انگیزه تشکیل داوطلبانه این تشکلهای در مناطق روستایی می‌تواند زمینه ساز همکاری بخش ترویج دولتی بوده و این تشکلهای را برای تسریع در ارائه خدمات آموزشی و فنی به روستاییان خرده پا و دریافت بازخورد اجرای طرحهای توسعه در روستاها و نیازهای جدید (حاصل از تحول تکنولوژیکی) آماده سازد. با این کار ضمن کاهش تصدی گری دولت و هزینه‌های آن، می‌توان از نیروی بسیج مردم در قالب تشکلهای، انگیزه و احساس مسئولیت آنها در پیاده کردن طرحهای توسعه پایدار کشاورزی و روستایی بهره جست و با تدبیر راهبردهای مناسب، ضمن پوشش نقاط ضعف بخش ترویج دولتی و سازمانهای کشاورزان و تقویت نقاط قوت در کنار هم در مسیر توسعه پایدار کشاورزی و روستایی تارسیدن به اهداف تعیین شده (ارتقای سطح زندگی مردم روستایی و رضامندی آنان و مشارکت در تأمین غذا و محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور) گام برداشت.

منابع و مأخذ:

- 1- Ayers, A.J. (1992). Conflicts or Complementarities? Agricultural Research and Extension Network, paper No.37. London: overseas Development institute.
- 2- Farrington, J. & Lewis. D. (1993). NGOs and the state in Asia. London.
- 3- Fernandez, A. (1993). NGOs and Government. London.
- 4- Kohl, B. (1991). Protected horticultural systems in the Bolivian Andes: A Case study of NGOs and inappropriate technology. overseas Development institute. London.
- 5- World Bank. (1991). World Development Report 1991. Oxford university Press. Oxford.
- 6- Swanson. B.E (1997). Improving Agricultural Extension. FAO _ Rome
- 7- ?. (1999). Role of institution in rural community development. A.P.O. FAO. Rome
- 8- Russell, D. (1999). Facilitating the emergence of local institutions. FAO. Rome

پی نوشت

۱- سازمانهای غیر دولتی (Non-Governmental organization)

- ۷- غیر وابسته به دولت و مستقل در سیاست گذاری، تصمیم گیری و انجام فعالیت
- ۸- توجه به منافع عامه
- ۹- سازماندهی هدفمند برای تحقق اهداف سازمان
- ۱۰- نوآوری مبتنی بر روشهای مشارکتی
- ۱۱- توجه به آداب، رسوم و ارزشهای محلی
- ۱۲- ارزیابی عملکرد سازمان توسط اعضا
- ۱۳- توجه به اهداف توسعه پایدار کشاورزی و روستایی
- ۱۴- رهبری انعطاف پذیر

زمینه‌های مشارکت NGOها با بخش دولتی ترویج (GO)

- ۱- ارائه مشاوره‌های فنی و انتقال بازخوردها از کشاورزان خرده پا
- ۲- همکاری در فعالیتهای آموزشی ترویج به کشاورزان خرده پا
- ۳- همکاری در تشکیل گروههای کشاورزان

فعالیت‌های بخش ترویج دولتی برای همکاری با سازمانهای غیردولتی کشاورزی

- ۱- شناخت صحیح گروههای مختلف کشاورزی
 - ۲- برقراری ارتباط نزدیک و صمیمانه بین سازمانهای تجاری و حمایت کننده و گروههای کشاورزان تولیدکننده
 - ۳- تقاضای همکاری براساس نیازهای روستاییان به اقدامات خاص فوری
 - ۴- تأمین نیازهای فنی و آموزشی اعضا، سازمانها و گروههای کشاورزان
 - ۵- انعطاف پذیری در محول کردن فعالیتها به سازمانها
 - ۶- انتخاب سازوکار مناسب برای دریافت بازخورد فوری موجود و نیازهای تکنولوژیکی جدید
 - ۷- عدم تحمیل اجرای پروژه‌های توسعه دولتی به سازمانها
 - ۸- شرکت کارکنان ترویج دولتی و اعضای سازمانهای کشاورزان به طور مشترک در کارگاههای آموزشی برای تبادل نظر و تجربیات و آشنایی با روشهای آموزشی «اقدام عملی» و «ارزشیابی مشارکتی»
 - ۹- توجه به تجربه دانش بومی سازمانها و ترکیب آنها با یافته‌های تحقیقاتی خارج روستا
- با بکارگیری راهکارهای فوق، ترکیب سازمانهای ترویج دولتی و سازمانهای غیردولتی کشاورزی و روستایی در صورتی که کمک به روستاییان فقیر و فقرزدایی در سرلوحه برنامه‌های توسعه پایدار دولت قرار گرفته باشد می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

خلاصه و نتیجه گیری

مطالعات سازمانهای بین‌المللی و داخلی بیانگر عدم موفقیت بخش دولتی کشاورزی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار کشاورزی و روستایی و در نهایت ارتقای سطح زندگی روستاییان و تأمین مایحتاج غذایی جمعیت کشور است و بر همین اساس بحثهای خصوصی سازی برای انتقال بخشی از وظایف ترویج کشاورزی دولتی به مردم و